

⊕ اسفند ۱۳۵۳ در حاشیه‌ی اجلاس اوپک در الجزایر. صدام، محمدرضا شاه و هواری بومدین رئیس‌جمهور الجزایر در تصویر دیده می‌شوند. تفاهم‌های اولیه در همین دیدارها انجام گرفت.

## ✕ فیلم مهم صدام

پیر رازو پژوهشگر و تحلیل‌گر مطرح فرانسوی در کتاب جنگ ایران و عراق درباره‌ی آماده‌سازی‌های تبلیغاتی صدام برای آغاز جنگ و تحکیم قدرتش می‌نویسد: «رئیس‌جمهور جدید عراق، برای تضمین قدرتش آیین «صدام‌پرستی» راه می‌اندازد. عکس‌های صدام با خنده‌های خون‌خوارانه در سراسر کشور پخش می‌شود. عکس‌هایش با لباس نظامی یا دشداشه‌ی عربی، به مخاطبان می‌گوید که صدام همواره آن‌ها را زیر نظر دارد. بر دیوارهای عراق تصاویری نقش می‌بندد از صدام سوار بر اسبی یا نژاد عربی در حال جنگ یا شیر ایرانی. دیکتاتور در نهایت دستور می‌دهد که فیلمی از نبرد قادسیه بسازند و در آن شجاعت جنگجویان عربی را در مقابل ایرانی‌ها تصویر کنند. این فیلم پرهزینه‌ترین فیلم دنیای عرب تا آن روز بود و بازیگران مطرح عربی در آن بازی کردند. او با این فیلم می‌خواست به عراقی‌ها یادآوری کند که ایران رقیب و دشمن همیشگی آن‌هاست.»



Ⓛ پوستر فیلم القادسیه. فیلمی که سال ۱۹۸۱ به سفارش صدام که خود را سردار قادسیه می‌نامید ساخته شد. قادسیه نبردی میان عرب‌های مسلمان و ایران بود که با شکست ایران همراه شد.

بعدی. امیر یعقوب حسینی، از فرماندهان ارتش در آن روزها: «این که چرا در آخرین لحظات نماینده‌ی عراق از امضای اسناد و مدارک نهایی و مبادله‌ی آن خودداری کرد بحثی است که باید در تحلیل سیاسی جنگ به آن پرداخته شود. اما نکته‌ی مهم من این است که جرقه‌ی جنگ علیه ایران از محل همان میله‌ها در منطقه‌های زین‌القوس، سیف‌سعد و حوض میمک زده شد. این حادثه در ذهن انسان بررسی‌کننده این تصور را به وجود می‌آورد که آیا اقدام عراق بر اساس طرح و راهبردی پیش‌بینی شده نبوده است تا ایران را وادار کند در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تجدید نظر کند؟»



«جدی‌ترین ضعف عراق در تجاوز به ایران این بود که هیچ تفکر راهبردی خاصی پشت این تجاوز وجود نداشت.»

کوین وودز، پژوهشگر و تحلیل‌گر آمریکایی جنگ ایران و عراق

عراق، گفت: «خوش‌وقت‌ام به اطلاع شما برسانم روز گذشته توافقی کلی بین دو کشور برادر ایران و عراق برای پایان دادن به اختلافات آن‌ها حاصل شد.» ۱۵ اسفند همان سال (ششم مارس ۱۹۷۵) متن توافق‌نامه‌ی ایران و عراق منتشر و به قرارداد الجزایر معروف شد. پس از سال‌ها درگیری و اختلاف قرارداد الجزایر مفصل‌ترین قراردادی بود که به جزییات اختلافات هم توجه کرده بود. قرارداد الجزایر هم درباره‌ی اختلاف در مرزهای آبی و خاکی بود هم درباره‌ی کردهای دو کشور هم درباره‌ی دخالت در امور یکدیگر و جنگ تبلیغاتی علیه هم. در اروند هم خط تالوگ

مبنای مرز شد. بر اساس قرارداد، میله‌گذاری مرزی در غرب کشور حدود زمین‌های طرفین را مشخص می‌کرد. همان زمین‌های مورد ادعای صدام در این جلسه. در بهار سال ۱۳۵۷، زمانی که حکومت شاه ایران متزلزل شده بود، ایران و عراق میله‌گذاری‌های مرزی را با نظارت ناظران بین‌المللی آغاز کردند. در اردیبهشت وقتی نوبت رسید به میله‌گذاری در منطقه‌ی مرزی



نشان یادبود سردار قادسیه

میمک، ارتش ایران می‌بایست بخش‌هایی از میمک را ترک می‌کرد. هنوز ارتش ایران جابه‌جا نشده بود که عراقی‌ها، ناگهان، کار را نیمه‌تمام رها کردند و رفتند. تحلیلی هست که می‌گوید آن روزها عراق از پروژه‌ی میله‌گذاری کنار کشید تا بعداً آن را بهانه‌ای کند علیه حکومت متزلزل شاه یا حکومت انقلابی

هستند که قرارداد الجزایر را زیرپا گذاشته‌اند؛ «بین ما توافقی وجود دارد [نامفهوم]. سرزمین‌های اشغال‌شده‌ی عراق باید با آرامش بازگردد و ملا مصطفی بارزانی، اسب ایرانی-آمریکایی، از این موضوع پریشان خواهد شد. این لقمه‌ای است که ایران برای عراق گرفت. عراق [نامفهوم] در شط‌العرب را به ایران داد. ما این فرصت را به ایران دادیم تا زمین‌ها را پس بدهد، اما ایرانی‌ها طبق قرارداد آن را پس ندادند. ما باید با خون سربازانمان و به زور آن را پس بگیریم... وقتی توان برگرداندن حق خود را داریم، این کار را انجام خواهیم داد. هیچ وطن‌پرستی از حق خود نمی‌گذرد.»

## ✕ توضیح ضروری

در این‌جا لحظاتی از نوار صدام بیرون می‌آییم تا با توضیحی اندک واقعیت‌هایی را درباره‌ی وقایع مورد اشاره‌ی او مرور کنیم. در اسفند سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۵) سران اوپک در الجزایر جمع بودند که هواری بومدین، رئیس‌جمهور الجزایر، بعد از جلسه‌ی مشترک با محمدرضا، شاه ایران، و صدام، معاون رئیس‌جمهور